

# شرائع الاسلام

بخش اول

احمد الحسن

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين

وصلی الله علی محمد وآل محمد الائمہ و المهديين

این کتاب شرائع الاسلام در مسائل الحلال و الحرام نوشته ی دانشمند فاضل و پیروی ناصح محمد(ص) ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (ره)، که در آن معرفت احکام شریعت اسلام از روایات پیامبر و اهل بیت(ع) ذکر شده است، گرچه گاهی در مقام تردیدوگاهی از روی کوتاهی غیر متعمد خطاهایی در بیان احکام دارد که از آنها چاره ای نبوده است.

بنده این کتاب را بر اساس آنچه از امام مهدی (ع) یاد گرفتم تصحیح نموده واحکام آن را بیان نمودم، و بر اساس دستورامام مهدی(ع)، بیان کردم آنچه را که اهل آن و کسانی که لیاقت دریافت آن را دارند، حاضر گشته اند و زمان بیان آنها رسیده است و آنچه زمان آن نیست را به وقتش موکول می کنم. هر کس با این احکام مخالفت کند با امام مهدی (ع) مخالفت کرده است.

ای خداوند عظیم گناهان بزرگ مرا ببخش چراکه خطاهی بزرگ را جز تو ای عظیم نخواهد بخشید. (ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم\* تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد (و حقانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید) (سوره ی فتح ۱ و ۲)

بنده ی مقصر در پیشگاه خدا

احمد الحسن

## کتاب طهارت

## طهارت:

طهارت نام وضو یا غسل یا تیمم است به گونه ای که نماز با آن مباح باشد. و هر کدام از آنها به دو قسم است، واجب و مستحب. وضو واجب برای نماز واجب و طواف واجب و لمس نوشته ی قرآن واجب می گردد و مستحب برای آنچه غیر از این امور باشد. غسل واجب برای سه امر واجب می گردد، اولاً ورود به مسجد الحرام یا مسجد النبی (ص) یا قرائت عزائم یعنی سوره هایی که سجده ی واجب دارند اگر خواندنشان واجب شد، ثانیاً برای جنبی که می خواهد روزه بگیرد قبل از طلوع آفتاب ، ثالثاً برای مستحاضه ای که خون او پنبه را آغشته نموده برای روزه گرفتن، و غسل مستحب برای امور غیر از این موارد است . تیمم واجب برای اقامه ی نماز

واجب است اگر وقت آن تنگ گردد و برای خارج شدن از مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) و مستحب رای امور غیر از این است. طهارت با نذر و شبه آن نیز واجب می گردد.

این مبحث چهار رکن دارد:

### رکن اول : اقسام آب ها

مورد اول : احکام آب مطلق

آب مطلق آن است که به آن آب می گویند ، بدون هیچ اضافه ای و همه آن پاک است، آب مطلق نجاست را پاک می نماید و از جهت وقوع نجاست به سه گروه تقسیم می شود : جاری ، محقون و آب چاه

اما آب جاری ؛ نجس نمی شود مگر با تغییر یکی از اوصاف سه گانه اش یعنی رنگ و بو و مزه ، و پاک می شود با اضافه کردن آب جاری فراوان بر آن تا تغییر از بین برود و آب حمام [آب لوله کشی که به منبعی متصل باشد که از کر بیشتر است] نیز حکم آب جاری را دارد مادام که تغییر دهنده ای بر آن اضافه نشود و یکی از اوصافش [رنگ و بو و مزه ] تغییر نکند، و آب جاری به خودی خود پاک کننده و مطهر است.

اما آب محقون، آبی است که از آب کر کمتر است و با تماس با نجاست نجس می گردد و با اضافه کردن آن و گذشتن از حد کر پاک می شود و با رسیدن به حد کر پاک نمی گردد و آنچه از کر بیشتر باشد نجس نمی شود [حکم آب جاری را دارد] مگر یکی از اوصافش [رنگ و بو و مزه] تغییر کند. و با اضافه کردن آب کر به آن دوباره پاک می شود، اگر تغییر از بین برود آب به خودی خود پاک نمی شود و با وزیدن باد و نه با انداختن اجسام پاک که نجاست و تغییر را از بین می برند نیز پاک نمی شود. [حتماً باید آب کر بدان افزوده شود تا پاک گردد]

**آب کر:** معادل (۴۵۷) لیتر است یا آبی که طول و عرض و عمق محل آن سه وجب و نیم باشد. این حکم در مورد آب حوض ها و غدیر [محل جمع شدن آب باران] و ظرفها صدق می کند.

اما **آب چاه:** اگر کر نباشد در تماس با نجاست نجس می شود اگر آب آن از تراوش زمین باشد. اما اگر چاه مستقیم به چشمه ی زیر زمینی متصل باشد و از چشمه بجوشد یا اگر آب آن کر یا بیشتر از آن باشد در تماس با نجاست نجس نمی گردد [ مگر یکی از اوصافش [رنگ و بو و مزه] تغییر کند. طریقه ی پاک کردن کشیدن آب نجس از آن بدین شرح است:

- ۱- از مردار گنجشک تا مرغ (یا آنچه هم حجم آنها باشد) کشیدن بین (۱۰ تا ۱۰۰) لیتر متناسب با حجم حیوان و از مردار عقرب و مار و وزغ بین (۳۰ تا ۷۰ لیتر) متناسب با حجم حیوان
- ۲- مردار گوسفند و سگ (یا آنچه هم حجم آنها باشد) کشیدن بین (۱۰۰ تا ۴۶۰ لیتر) متناسب با حجم حیوان
- ۳- از سقوط ادرار و مدفوع و منی و مایعات مستی آور بین (۷۰ تا ۴۶۰ لیتر) متناسب با حجم نجاست باید آب از چاه کشید. اگر نجاست مایع باشد یا در آب تحلیل شده و از بین رفته است باید (۴۰۰ لیتر) آب کشید و اگر نجاست جامد باشد باید بعد از خارج کردن آن (۱۰۰ لیتر) آب کشید تا آب چاه پاک شود.
- ۴- از مردار الاغ و گاو و شتر و شبه آنها بین (۴۶۰ تا ۷۰۰ لیتر) متناسب با حجم حیوان آب باید کشیده و بیرون ریخت
- ۵- از جسد انسان (۷۰۰ لیتر) آب باید کشیده و بیرون ریخت .  
اگر بعد از دور ریختن آب به اندازه های گفته شده باز در آب رنگ و بو یا طعم نجاست از متلاشی شدن مردار یا خون یا مسکر مایع بماند، باید آن قدر از آب آن دور بریزند تا رنگ، بو و یا طعم نجاست از بین برود .

## مسائل متفرقه

۱- درافتادن جسد انسان در چاه جسم کودک و بزرگسال یک حکم دارد.

۲- اگر چند نجاست با هم در چاه بیفتد مقدار آبی که باید دور ریخته شود مضاعف می گردد [برای هر کدام از نجاست مقدار آب جداگانه باید اعمال شود].

۳- اگر مردار حیوان در آب چاه [در اثر گندیدن] تکه تکه شود یا تحلیل برود، تمام آب چاه باید دور ریخته شود و اگر این کار مشکل بود باید صبر شود تا آب در اثر جوشیدن آب های پاک، علایم نجاست [رنگ و بو و مزه] از دست بدهد یا به مدت یک روز از صبح تا شب آب پاک بدان افزوده شود. بهتر است که در مورد مردار کوچک تر از سگ نیز همین عمل انجام شود.

مستحب استبین چاه و فاضلاب پنج ذراع فاصله باشد، اگر زمین سفت باشد و چاه در بالائست فاضلاب قرار گیرد در غیر این صورت باید فاصله هفت ذراع در نظر گرفته شود. و حکم به نجاست چاه نمی توان داد مگر مطمئن شوند که آب فاضلاب به چاه رسیده است و اگر حکم به نجاست



دادند تطهیر با آن آب و مصرف برای خوردن و آشامیدن مجاز نمی باشد مگر در موارد ضرورت.

اگر میان چند ظرف آب معلوم نباشد آب کدام یک نجس است واجب است همه آنها را ترک کرد و در صورت نبودن آب غیر از آنچه درون ظرف ها است باید تیمم نمود

### مورد دوم: آب مضاف

آب مضاف آن است که از جسم دیگری فشرده شده و یا با مایع دیگری مخلوط شده باشد به گونه ای که نام خود را کلاً از دست بدهد [مانند آب میوه و گلاب و...]

آب مضاف پاک است اما پاک کننده و مطهر نیست و استعمال آن درمورد دیگر جایز است و در صورت تماس با نجاست نجس می شود چه مقدار آن کم باشد یا زیاد و استعمال نجس شده ی آن برای خوردن و آشامیدن جایز نیست. اگر با آب مطلق مخلوط شود اگر موجب تغییر نام آب نمی شود طهارت با آن جایز است.

طهارت با آبهای زیر مکروه است:

آبی که به وسیله خورشید داغ شده باشد،

آبی که برای غسل میت با آتش گرم شده باشد،

آبی که برای شستشوی نجاست به کار رود، چه در تماس با نجاست تغییر کند یا تغییر نکند

آبی که در حین استنجاء [تطهیر محل خروج ادرار و مدفوع] به کار می رود پاک است مگر این که در تماس با نجاست تغییر کند . آب استفاده شده در وضو هم پاک است و هم پاک کننده است ولی آبی که برای برطرف کردن مدفوع به کار می رود گرچه پاک است اما پاک کننده نخواهد بود.

مورد سوم : آب نیم خورده

همه آب نیم خورده انسان ها و حیوانات پاک است به جز نیم خورده ی سگ و خوک [گراز] و کافر، و بهتر آن است که نیم خورده ی گروه های زیر ترک شود:

خوارج (آنان که به عقیده ی خوارج نهروان و شبیه به آن معتقدند)،

غلات (آنان که به الهویت مطلق یکی از مخلوقات معتقد هستند)،

نواصب (آنان که با ائمه و مهدیین و شیعیان دشمنی می نمایند)

غیر از اینان جسم و آب نیم خورده ی همه ی مسلمین پاک است.

آب نیم خورده ی [حیوان] نجاست خوارو مردار خوار اگر محل تماس آن با آب عین نجاست را نداشته باشد [در صورت وجود عین نجاست آب نجس می شود]، آب نیم خورده قاطر والاغ و موش و مار و عقرب و وزغ نیز مکروه است.

#### مسائل متفرقه:

مردار حیوانی که خون جهنده دارد آب را نجس می کند.

خون حتی اگر به چشم دیده نشود نیز آب را نجس می کند.

رکن دوم : طهارت با آب

طهارت با آب یعنی وضو و غسل

فصل اول احکام وضو:

مواردی که در آنها وضو [و غسل] باطل می شود:

- ۱- خروج ادرار یا مدفوع یا باد از شکم از محل معمول آنها، اگر مدفوع از اعضای ظریف شکم خارج شود باطل کننده نیست اما اگر از اعضای بزرگ تر باشد باطل کننده است. اگر مدفوع از غیر مجرای عادی خود خارج شود باز وضو [و غسل] را باطل می کند. اگر ادرار و یا مدفوع و باد شکم از جای زخمی که بعدها به محل دائمی خروج تبدیل شود بیرون بیاید، نیز باطل کننده طهارت است
- ۲- خواب، به گونه ای که بر دو احساس دیدن و شنیدن غلبه کند [انسان نه چیزی ببیند و نه چیزی بشنود] و هر چیز دیگری که عقل را زایل کند مانند اغماء و بیهوشی و جنون و مستی
- ۳- استحاضه [خون دیدن زن] کم [خون حیض و نفاس و استحاضه زیاد نیز وضو و غسل را باطل می کند]
- آنچه موجب بطلان نمی شود:

خروج مذي و وذي و ودي [مايعات غير از مني]، خونی که از مجرای ادرار و مدفوع خارج می شود به جز خون حیض و نفاس و استحاضه و استفراغ و قی کردن و خلط انداختن و ناخن گرفتن و موی بدن را اصلاح کردن دست زدن به آلت مرد و زن و لمس کردن زن و خوردن آنچه آتش به آن خورده باشد.

خروج هر چیز دیگر از مجاری ادرار و مدفوع اگر به نجاست آغشته نباشد و یکی از مبطلات وضو را همراه نداشته باشد.

**مواردی که در تخلی باید رعایت شود :**

**اول : چگونگی تخلی :** پوشاندن عورت واجب است و پوشاندن کل بدن مستحب است. رو به قبله یا پشت به آن تخلی حرام است چه در صحرا و چه در ساختمان و شهر. در صورتی که محل تخلی ساختمان طوری بنا شده که یا رو به قبله یا پشت به آن است باید از آن محل به قدری منحرف شد که این عمل رو به قبله و یا پشت به آن صورت نگیرد.

**دوم : استنجا:** شستن مجرای ادرار با آب واجب است. در صورت امکان غیر آن کفایت نمی کند و کمترین مقدار شستن مجرای ادرار دو بار است. مجرای مدفوع نیز تا از بین رفتن عین نجاست و اثر آن باید شسته شود ولی بو اعتباری ندارد. اگر اثر نجاست از مقدار مخرج بیشتر شد شستن آن با آب واجب است و غیر از آب کفایت نمی کند. اما اگر از مخرج تجاوز نکرد بین شستن و پاک کردن با سنگ مخیر است گرچه آب بهتر است و جمع بین هر دو کامل تر است. و کمتر از سه سنگ کفایت نمی کند. گذراندن هر سنگ به تنهایی بر محل نجاست واجب است و با از بین رفتن عین نجاست و باقی ماندن اثر آن کفایت می کند. اگر با سه سنگ پاک نشد باید ادامه

دهد تا پاک شود ولی اگر با کمتر از سه سنگ پاک شد واجب است تا سه سنگ ادامه دهد. استفاده از یک سنگ از سه جهت کفایت نمی کند.

**چیزهایی که نباید برای استنجاء به کار رود عبارت اند از:**

۱- سنگی که قبلا برای استنجاء استفاده شده است،

۲- عین نجاسات، استخوان، سرگین و پهن حیوانات، خوراکی ها ،

۳- سنگ صاف که نجاست روی آن بلغزد

استفاده از این موارد موجب پاکی و طهارت نمی شود.

**سوم : سنت در تخلی :**

**مستحبات:** پوشاندن سر ، بستن صورت و پوشاندن سر بهتر است

استعاذه و به خداوند پناه بردن

خدا را به نیکی یاد نمودن

تقدیم پای چپ هنگام ورود

استبراء [پاک کردن مجرای ادرار برای مردان ]

دعا کردن هنگام استنجاء

تقدیم پای راست هنگام خروج ودعا بعد از خروج

**مکروهات:**

قضای حاجت در خیابان و محل عبور و مرور و در محل بناهای تازه و..

قضای حاجت زیر درختان میوه دار و مثمر و محل جنگها و محل هایی که موجب لعنت است [جاهایی که مورد لعنت دیگران است] بیرون آوردن عورت رو به خورشید و ماه ادرار کردن رو به باد و روی زمین سفت و در سوراخ و لانه ی حیوانات و در آب ساکن یا جاری خوردن و آشامیدن و مسواک کردن در حین تخلی استنجا با دست راست و استنجا با دست چپ اگر انگشتری در دست باشد که نام خدا (یا پیامبر و یا یکی از اوصیاء یا حضرت زهرا[ع]) یا آیات قرآن و آیه الکرسی و ... بر آن نوشته شده باشد.

### طریقه ی وضو گرفتن

وضو پنج عمل واجب دارد:

**اولاً: نیت:** و آن اراده ای قلبی است. چگونگی آن به این ترتیب است که برای نزدیکی به خداوند و برای پاکی باطن خود وضو می گیرد. نباید هدف از وضو رفع ناپاکی و عین نجاست باشد یا مباح شدن چیزی که در آن پاکی شرط است یا مستحب بودن یا پاکی لباس. اما اگر نیت کند علاوه بر تقرب و طهارت، بدنش نیز خنک شود و مشابه آن وضو صحیح است. وقت نیت با



شستن کفها دست آغاز می شود و نهایت وقت آن هنگام شستن صورت است و تا آخر اعمال وضو نیت باید حفظ گردد.

**تبصره:** اگر چند سبب مختلف موجب وضو باشد یک وضو از همه ی آنها کفایت می کند همین گونه در غسل

**ثانیاً:** شستن صورت: در طول صورت از محل رشد موی سر تا آخر چانه و در عرض آنچه میان انگشت شصت و انگشت وسط کف دست هنگام شستشو واقع می شود و هرچه که خارج آن باشد جز صورت نیست. در مورد محل صورت نباید فردی را که صورتی باریک دارید یا صورتی پهن و گشاده مقیاس قرار داد و نه حتی کسی که انگشتانش کوتاه است ، این گروه افراد باید هر کدام به موجب خلقت خود عمل کنند و هر آنچه را که ممکن است بشورند.

صورت را باید از بالا به پایین تا چانه شست و اگر عکس آن عمل شود کفایت نمی کند و وضو ناقص است و نیز شستن قسمت های پایینی ریش که خارج از صورت است واجب نیست و نیازی به گذر آب از میان آن نیست واجب شستن ظاهر آن است. اگر در صورت زنی مو به قدری بود که ریش حساب گردد باز گذراندن آب از میان آن لازم نیست و واجب شستن و خیس کردن ظاهر آن است.

**ثالثاً: شستن دستها**

در شستن دستها واجب شستن دو آرنج و دو ساعد است . و آغاز در شستن آرنج است و شستن برعکس آن از پایین به بالا کفایت نمیکند . واجب در آغاز شستن دست راست است و پس از آن دست چپ. اگر فردی قسمتی از دستش قطع شده است اگر زیر آرنج باشد شستن آن واجب است اما اگر محل قطع شدن بالای آرنج باشد وجوب شستن دست از او ساقط می شود.

اگر فردی بعد از آرنج دو ساعد یا گوشت اضافه یا انگشتان اضافه داشته باشد شستن همه آنها واجب است اما اگر این زواید بالای آرنج باشد شستن واجب نیست.

اگر کسی دست سومی داشته باشد شستن آن نیز واجب است.

**رابعاً: مسح سر:**

واجب در مسح سر آن است که گفته شود مسح است و مستحب مسح سر به عرض سه انگشت می باشد. مسح مخصوص قسمت جلوی سر می باشد و باید با رطوبت آب وضو صورت گیرد و تجدید آب دست برای مسح جایز نیست . و اگر آب دست خشک شد از آب روی ریش و مژه ها می

توان برای مسح استفاده کرد. اگر هیچ رطوبتی از وضو باقی نمانده که با آن مسح کند باید مجدد وضو بگیرد .  
 بهتر است که مسح رو به قبله باشد و پشت کردن به قبله هنگام مسح مکروه است . شستن محل مسح سر جایز نیست و کفایت نمی کند .  
 مسح آنچه موی قسمت جلوی سرو پوست سر نامیده می شود مجاز است ولی اگر از دیگر قسمت‌های سر مو را جمع کند و بعد روی آن مسح نماید صحیح نیست. همچنین مسح بر عمامه و کلاه و آنچه موجب پوشاندن محل مسح سر باشد صحیح نیست.

### خامساً: مسح پاها:

واجب در آن مسح روی پاها است از آغاز انگشتان تا برجستگی های مفصل یا همان قوزک پا [خود برجستگی نیز باید مسح گردد]، مسح پا به صورت عکس جایز است و میان پاها در مسح ترتیب خاصی نیست . اگر قسمتی از پا که باید مسح شود ، قطع شده باشد باید باقی مانده آن مسح گردد و لی اگر پا از مفصل قطع شده باشد مسح آن ساقط است. واجب در مسح این است که نباید میان دست و پوست پا مانعی باشد . مسح بر کفش و جوراب و شبیه آنها جایز نیست.

واجب است که مسح با همه ی کف دست باشد بگونه ای که کف دست بر تمام کف پا بگذرد

### هشت مسئله:

**مسئله ی اول :** ترتیب واجب در وضو این است که وضو را با شستن صورت آغاز کند و بعد دست راست و بعد دست چپ و بعد سر را مسح نمود و پس از آن پاها را مسح کرد. اگر وضو گیرنده عمدی و یا غیر عمدی ترتیب را رعایت نکند وضو باطل است و باید از نو وضو بگیرد.

**مسئله ی دوم:** موالات در وضو واجب است یعنی نباید بین شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها چنان فاصله بیندازد که از عرف یک عمل واحد خارج گردد. پس اگر صورت را شست باید برای شستن دست راست و پس از آن دست چپ و مبادرت کند و بعد سر و پاها را مسح نماید و این کار باید بدون وقفه انجام گیرد و اهمالی در آن نباشد.

**مسئله سوم:** در شستن صورت و دستها بار اول واجب است و بار دوم سنت است و بار سوم بدعت و در مسح تکرار وجود ندارد.

**مسئله چهارم:** در غسل اگر گفته شود غسل نموده است کفایت می کند حتی اگر به مقداری باشد که گویی بدن با آب مالیده شده باشد. اگر کسی در دست خود بند یا انگشتری باشد واجب است که آب را به زیر آن

برساند و اگر گشاده و فراخ باشد حرکت دادن آن برای رساندن آب مستحب است.

**مسئله پنجم:** بر کسی که بر اعضای بدنش که باید در وضو شسته و یا مسح شوند جبیره وجود داشته باشد اگر بیرون آوردن و شستشو ممکن باشد واجب است که آب را به پوست بدن برساند اما اگر ممکن نباشد مسح بر جبیره کفایت میکند چه زیر آن پاک باشد و چه پاک نباشد ولی اگر سبب جبیره از میان رفت باید وضو بگیرد.

**مسئله ششم:** هیچ فردی با اختیار اجازه وضو دادن غیر را ندارد و وضو باطل است ولی وضو دادن غیر در هنگام اضطرار ممکن است.

**مسئله هفتم:** کسی که وضو ندارد نباید به کلمات قرآن کریم دست بزند اما لمس کردن قرآن به غیر از نوشته ها اشکالی ندارد.

**مسئله هشتم:** دائم الحدث ( کسی که از مجرای ادرار او ناخواسته ادرار خارج می شود و کسی که از مجرای شکم از او باد خارج می گردد) اگر آن قدر زمان داشته باشد که نماز بخواند باید وضو بگیرد و نماز بخواند اما اگر نتواند باید برای اقامه نماز دوباره وضو بگیرد و اگر نتواند خبث و ناپاکی را زایل کند باید از حدث که باعث از بین رفتن وضو می شود طاهر گردد و وضو بگیرد.

**سنت در وضو:**

آن است که اگر از ظرفی آب برمی دارد آن را در سمت راست خود بگذارد و با دست راست آب بردارد ، بسم اله بگوید و دعا کند ، دستها را اگر خواب بود و یا ادرار کرده بود یک بار و اگر استنجا کرده بود دو بار بشوید ، آب را در دهان خود بگرداند و مضمضه کند و با بینی استنشاق کند و در همه اجزای وضو دعا کند ، مستحب است مرد در هنگام شستن ساعد های خود نخست قسمت بیرونی را بشورد و بعد قسمت داخلی دست را ، برای زن این استحباب عکس مرد است ، مستحب است با یک مد (نیم لیتر) وضو بگیرد

**مکروهات وضو :** کمک گرفتن از دیگران برای وضو و خشک کردن اعضای شسته شده در وضو مکروه است .

**چهار : احکام وضو**

اگر کسی از وقوح حدث و امر باطل کننده ی وضو یقین حاصل کند و به صحت طهارت خود شک کند و یا از طهارت یقین حاصل کند و بعد از آن در وقوع مبطل شک کند باید مجدد وضو بگیرد. همین گونه اگر در شستن یکی از اعضا بعد از شستن عضو بعد از آن شک کند اگر آب وضو خشک شده باشد باید مجدد وضو بگیرد. اما اگر در حال وضو به یکی از اعمال خود

شک کند نخست امری را که در آن شک دارد باید انجام دهد و بعد دیگر اعمال را دنبال کند .

اگر کسی از طهارت خود یقین حاصل کند و بعد از اتمام عمل در وقوع حدث و یا فراموش کردن یکی از اعضای خود شک کند نباید دوباره وضو بگیرد.

اگر کسی غسل محل خروج مدفوع و یا ادرار را ترک کند و نماز بخواند عمداً باشد یا فراموش کند و یا ندانسته این عمل را انجام دهد باید نماز را از مجدد بخواند.

اگر کسی برای استحباب تجدید وضو کند و بعد از نماز بیاد آورد که در یکی از اعمال وضو اشتباه نموده است هم وضو و هم نماز صحیح است. اما اگر با هر وضو یک نماز بخواند باید نماز اول را مجدد بخواند اما اگر ندادند در طهارت کدام یک از نمازها اشکال بوده است باید هر دو نماز را مجدد بخواند حتی اگر دو نماز از نظر تعداد رکعات اختلاف داشته باشند. و اگر نتواند یک نماز بخواند به نیت آنچه بر ذمه اوست. همین گونه حکم کسی که وضو بگیرد و نماز بخواند و بعد از نماز حدیثی کند که وضو باطل گردد و بعد دوباره وضو بگیرد و نماز دیگری بخواند و بعد بیاد آورد که در یکی از وضوها یکی از واجبات را به جا نیاورده است.

اگر نماز های پنج گانه را با پنج وضو انجام داد و بعد یقین حاصل کرد که بعد از یکی از طهارت ها حدثی باطل کننده وضو از او واقع شده تکلیف او این است که سه نماز را تکرار کند یک نماز سه رکعتی و یک نماز دو رکعتی و یک نماز چهار رکعتی.

### احکام غسل

اما احکام غسل : که در آن واجب و مستحب وجود دارد:  
شش غسل واجب است: غسل جنابت، حیض، استحاضه ای که خون آن پنبه را سوراخ کند، نفاس بعد از زایمان ، مس میتی که قبل از غسل بدنش سرد شده باشد، غسل مردگان  
بیان احکام غسل در پنج بخش خواهد آمد .



**بخش اول : جنابت :**

در جنابت سه امر وجود دارد : سبب جنابت ، احکام جنابت و غسل آن  
سبب جنابت دو چیز است :

**یک : انزال منی:** اگر کسی بداند که از او منی خارج شده است یعنی مایعی از بدن او با فشار و همراه با لذت و سستی بدن خارج شود غسل بر او واجب می گردد. اگر فرد بیمار باشد لذت و سستی کفایت میکند و آنچه خارج شده منی است. و اگر با فشار و لذت همراه نباشد حتی اگر احتمال دهد منی است غسل واجب نمی گردد..

اگر فرد روی بدن و یا لباس خود منی بیابد در صورتی که کسی در پوشیدن آن با شریک نیست غسل واجب می گردد. زن نیز اگر از او منی خارج شود غسل بر او واجب می گردد.

**دو : جماع:** اگر کسی با زنی از فرج آن زن جماع کند با ورود آلت تا محل ختنگاه غسل بر هر دو واجب می گردد حتی اگر زن مرده باشد. اگر از مقعد نزدیکی کند حتی بدون انزال غسل واجب می شود. اگر العیاذ بالله کسی عمل قوم لوط (که لعنت خدا بر آنان و هر کس که عمل آنها را مرتکب می شود ، باد) را انجام داد بدون انزال غسل بر او واجب می گردد.

اگر کسی با حیوانی نزدیکی کند نیز بدون انزال غسل بر او واجب می گردد.

**تبصره:** غسل بر کافر هنگام وجود سبب واجب می گردد اما انجام آن در حالت کفر صحت ندارد اما اگر مسلمان شد و غسل نمود و دوباره مرتد شد غسل صحیح است.

**احکام جنابت:** بر فرد جنب حرام است که: خواند همه یا بخشی از یکی از سوره های عزائم (سوره هایی که سجده ی واجب دارند) حتی بسم الله اگر نیتش این سوره های باشد.

دست زدن به قرآن و نوشته های آن و لمس کردن آنچه نام خدا یا یکی از پیامبران و یا اوصیاء بر آن نوشته شده باشد ، نشستن در مسجد و یا گذاشتن چیزی در آنها ، عبور کردن از مسجد الحرام و مسجد پیامبر ﷺ در مدینه ، اگر فردی در مسجد الحرام و یا مسجد النبی ﷺ جنب شد باید تیمم کند بعد از آنها خارج گردد.

برای جنب مکروه است که بخورد و بیاشامد و کراهت خوردن و آشامیدن با مضمضه و شستن دهان کمتر می شود. خواندن آیات قرآن غیر از سوره های دارای سجده ی واجب مکروه است. خواند بیش از قفتاد آیه کراهت را شدید میکند. لمس کردن کتاب قرآن و خواب بدون وضو و تیمم برای

جنب مکروه است همچنین خضاب کردن احنا بستن و رنگ کردن ریش و موی سر.

### چگونگی غسل کردن:

در غسل پنج چیز واجب است: نخست نیت و باقی ماند بر آن تا پایان اعمال غسل، شستن پوست بدن بدان گونه که به آن شستن گفته شود و رساندن آب به جای که به خودی خود آب به آنجا نمی رسد، ترتیب یعنی این که نخست سر را بشورد بعد باقی بدن و بهتر است که سمت راست بدن را بشورد و بعد سمت چپ ولی ترتیب میان آنها واجب نیست، ترتیب با یک بار ارتماس یعنی فرو رفتن در آب ساقط می شود.

سنن غسل : نخست نیت هنگام شستن دسها و وقت نیت با شستن سر تنگ می شود. گذراند دست بر بدن در هنگام غسل برای رساندن آب بر تمامی اعضای بدن ، ادرار کردن قبل از غسل و استبراء نمودن .

**استبراء نمودن بدین ترتیب است :** با دست از مقعد تا ریشه آلت مرد سه بار مالیده شود بعد از آن از پایین آلت تا حشفه و سر آلت سه بار دست مالیده شود و بعد از آن آلت را سه بار بکشد و تکان دهد.

دیگر مستحبات غسل شستن دستها سه بار، مضمضه ، استنشاق و غسل نمودن با یک صاع (سه لیتر آب ) است.

## مسائل سه گانه :

**اول :** اگر غسل کننده بعد از غسل رطوبتی ببیند ، اگر قبل از غسل ادرار کرده و استبراء نموده غسل را تکرار نمی کند ولی اگر بول و استبراء نکرده بود باید مجدد غسل کند.

**دوم :** اگر مقداری از بدن را غسل نمود و حدثی واقع نمود که غسل را باطل می کند باید مجدد از سر شروع کند ، دائم الحدث باید بعد از غسل برای طهارت وضو بگیرد اگر آنقدر وقت نداشته باشد که مجدد غسل کند و حادثی از او صادر نگردد.

**سوم :** کسی نمی تواند دیگری را غسل کند و غسل دادن دیگری باطل است مگر در حالت اضطرار . کمک گرفتن در غسل مکروه است

## بخش دوم: حیض:

مشمول بر بیان حیض و آنچه به سبب آن واجب می گردد ، می باشد :

**نخست :** حیض خونی است که به سبب تمام شدن مدت معین در زن دیده می شود ( خون عادت ماهیانه) و برای کم آن حد وجود دارد . خون حیض معمولاً تیره بوده و با احساس سوزش خارج می شود و ممکن

است خون حیض و بکارت اشتباه گرفته شوند لذا زن باید به پنبه ای که در مجرا قرار می دهد بنگرد اگر خون به شکل حلقه بود خون بکارت است.

**آنچه دختر قبل از سن نه سالگی ببیند حکم خون حیض را ندارد .**  
کمترین مقدار حیض سه روز و بیشترین آن ده روز است . کم ترین میزان طهارت نیز سه روز است و حدی برای بیشتر آن نیست. در حیض توالی سه روز شرط است . آنچه زن بعد از یاسگی می بیند حیض نیست. زن اگر قریشی بود تا شصت سالگی یائسه می گردد و دیگر زنان در پنجاه سالگی .

خونی که زن کم تر از سه روز ببیند حیض نیست چه اولین بار باشد و چه زن صاحب عادت ماهانه باشد. آنچه را زن بین سه روز تا ده روز ببیند اگر ممکن باشد که حیض است همانا حیض فرض می گردد و باید احکام حیض را به جا بیاورد و فرقی نمی کند که شکل خون شبیه هم باشد یا فرق کند.

زن این گونه صاحب عادت می شود که یک بار خون ببیند و بعد تا کمترین مدت طهارت پاک شود و بعد دوباره با همان فاصله زمانی خون ببیند . اختلاف در شکل و رنگ خون دلیل بر حیض نبودن نیست .

## مسائل پنج گانه:

یک : زن دارای عادت معیین با دیدن خون باید نماز و روزه را ترک کند. دختری که برای اولین بار حیض می بیند اگر مطمئن شد حیض است باید عبادات را ترک کند ولی در غیر این صورت باید صبر کند تا سه روز بگذرد بعد عبادات را ترک نماید.

دوم : اگر سه روز خون ببیند و بعد قطع گردد و قبل از روز دهم دوباره خون ببیند همه این مدت یک حیض حساب می گردد، ولی اگر از ده روز بیشتر شد باید به تفصیلی که ذکر خواهیم کرد مراجعه کند . اگر ده روز بگذرد و خون ببیند همانا که ده روز اول یک حیض منفرد است و آنچه در بیش از ده روز دیده ممکن است حیض دیگری باشد.

سوم : اگر خون قبل از ده روز قطع شد بر زن است که با پنبه خود را استبراء کند ، اگر پنبه پاک بود باید غسل کند و اگر به خون آغشته شد دختر مبتدئه [کسی که برای اولین بار حیض می بیند] باید صبر کند تا ده روز کامل گردد. زن صاحب عادت مشخص تا سه روز بعد از عادت خود صبر کند بعد غسل کند اگر تا ده روز خون دیدن استمرار بیابد و بعد قطع شد روزه آن ایم را باید قضا کند. و اگر بیش از این بود هر آنچه را که به جا آورده است کفایت می کند

چهارم : اگر زن از حیض پاک شد شوهر می تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند گرچه این عمل مکروه است .

پنجم : اگر وقت نماز داخل شود و زن حیض ببیند اگر به مقدار طهارت و اقامه نماز باشد قضا بر او واجب می گردد. و اگر قبل از ورود وقت نماز باشد قضا واجب نیست.

اگر زن در آخر وقت نماز پاک شود به گونه ای که از وقت نماز به مقدار طهارت و یک رکعت نماز باقی مانده باشد ادای نماز واجب است و اگر انجام ندهد باید قضای آن را به جا آورد.

#### متعلقات حیض: هشت چیز است:

اول : هر آنچه در آن طهارت واجب باشد ، بر زنی که حیض می بیند ، حرام می گردد، مانند نماز و طواف و لمس نوشته های قرآن . حمل کردن مصحف و حاشیه قرآن برای زنی که حیض می بیند مکروه است. این زن حتی اگر وضو بگیرد و یا غسل کند نیز طاهر نمی شود.

دوم : روزه زنی که حیض می بیند صحیح نیست.

سوم: زنی که حیض می بیند نباید در مسجد بنشیند اما گذشتن او از مسجد مکروه است .

چهارم: چنین زنی نباید سوره های عزائم (سوره هایی که سجده ی واجب دارند را) بخواند و خواندن باقی آیات و سوره های قرآن برای او مکروه است. چنین زنی اگر آیه ای که سجده دارد را بخواند یا بشنود باید سجده کند.

پنجم: بر شوهر زنی که در حیض است نزدیکی با او حرام است تا زمانی که پاک شود. اما لذت بردن از دیگر اعضای او جز فرج اشکالی ندارد. اگر مرد عمداً و با زن نزدیکی کند باید کفاره دهد. کفاره نیز در اوایل ایام حیض یک دینار طلا (معادل یک مثقال طلا ۱۸ عیار) و در وسط روزهای عادت ماهانه نصف دینار و در آخر ایام دیدن خون ربع دینار است.

اگر در زمانی نزدیکی را تکرار کند که کفاره تکرار نشود دادن کفاره تکرار نمی شود اما اگر نزدیکی را در زمانی تکرار کند که مقدار کفاره تغییر می کند کفاره دادن را باید تکرار کند. (یعنی اگر در اوایل ایام عادت ماهانه دوبار نزدیکی کند فقط یک کفاره می دهد ولی اگر یک بار در اوایل ایام حیض نزدیکی کند و باز در آخر ایام حیض باز نزدیکی کند هر دو کفاره را باید بدهد.)

ششم: طلاق دادن زنی که در حال حیض است و از سوی شوهر در او دخول واقع شده است (باکره نباشد) و شوهرش حاضر است، صحیح نیست و باطل است.



هفتم : اگر زن از خون حیض پاک شد باید غسل کند و کیفیت آن مانند غسل جنابت است . مستحب است که یا قبل و یا بعد از غسل وضو بگیرد. قضای نماز های روزانه بر زن در حال حیض واجب نیست ولی قضای روزه واجب است .

هشتم : مستحب است که زن در حین عادت ماهیانه خود به هنگام وجوب نماز وضو بگیرد و به اندازه زمانی که در حالت عادی به نماز می ایستد در محل نماز و سجاده خود بایستد و ذکر خدا کند. خضاب بر زن در حالت حیض مکروه است.

### فصل سوم: در استحاضه

مشمتمل بر انواع استحاضه و احکام آن

اولاً: خون استحاضه - غالباً - زرد رنگ ، سرد ، رقیق و به آرامی خارج می شود . خون حیض هم ممکن است همین اوصاف را داشته باشد . اگر در ایام حیض اوصاف خون چنین باشد حیض حساب می شود و اگر در ایام پاکی باشد پاکی است .

هر خونی که زن کمتر از سه روز ببیند و دلیل آن زخم نباشد خون استحاضه است. همین گونه است خونی که بیشتر از عادت و بیشتر از ده روز باشد. خونی که بیشتر از ایام نفاس باشد و علایم حیض را نداشته باشد، خونی که همراه حمل و بارداری باشد و خونی که قبل از بلوغ و بعد از یائسه گی خارج شود همه استحاضه است.

زنی که خون دیدنش بیشتر از ده روز باشد و از آن دسته زنانی است که عادت ماهیانه دارد، ایام حیضش و ایام پاکیش با هم مخلوط شده است یا مبتدئه است یا دارای عادت مستقر است و یا مضطربه

زن مبتدئه: به رنگ خون و علایم آن بنگرد، آنچه دارای علایم خون حیض است برای او حیض حساب می شود و آنچه علایم حیض ندارد، استحاضه است، به شرطی که آنچه شبیه خون حیض است از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد. اگر این مقدار کم و زیاد شود و یا رنگ آن تغییر کند، و یا یکی از شرطها حیض در آن تحقق نیابد به زنان فامیل نزدیک خود بنگرد اگر شبیه او بودند مانند آنها عمل کند و اگر شبیه آنها نبود مقدار حیض خود را در هر ماه هفت روز قرار دهد.

**زن دارای عادت مستقر:** عادت ماهیانه خود را حیض قرار دهد و ما بقی را استحاضه قرار دهد. اگر میان حیض و استحاضه او اجتماعی پیش آمد و باید بر عادت خود عمل کند.

در این مورد مسائلی وجود دارد:

**اول :** اگر زنی که داری عادت ماهیانه مستقر است ببیند که عدد روزهای حیض بر زمان آن تاخیر یا تقدم یابد حیض خود را بر عدد ایام قرار دهد و به زمان آن اعتنا نکند چون ممکن است عادت ممکن است زودتر و یا دیرتر اتفاق بیفتد چه خون را به رنگ حیض یا نه.

**دوم:** اگر قبل از ایام عادت ماهانه خون ببیند و بعد عادت واقع شود اگر از ده روز بیشتر نباشد همه را حیض قرار دهد . اما اگر بیشتر بود عادت همیشگی خود را حیض قرار دهد و ایام قبل از آن را استحاضه قرار دهد. اگر زن عادت ماهانه خود را ببیند و بعد از آن نیز خون ببیند نیز همین حکم را دارد . در صورتی که تعداد ایام از ده روز بیشتر قبل و بعد از عادت ماهانه خون ببیند عادت هر ماه خود را حیض، و قبل و بعد از عادت ماهانه را استحاضه قرار دهد.

**سوم:** اگر عادت ماهانه زن در هر ماه تعداد ایام معینی باشد و بعد در دو ماه متوالی دو بار حیض ببیند و به گونه ای کمترین مقدار پاکی فاصله باشد و

در هر بار مقدار بیشتری خون ببیند اگر از ده روز بیشتر نشود همه حیض است اما اگر بیشتر از ده روز باشد به مقدار عادت خود حیض حساب کند و ما باقی ایام را استحاضه بشمارد.

**اما مضطربه:** عادت زن مضطربه باید بر اساس تمییز عمل کند، اگر مطمئن شود که خون حیض است باید عبادت را ترک کند و گرنه نباید نماز را تا گذشتن سه روز واطمینان از حیض ترک کند، اما اگر تمییز از بین برود، سه مسئله وجود دارد:

اول: اگر تعداد ایام حیض را بیاد داشته باشد ولی زمان هر ماه را فراموش کند اولین روز خون دیدن خود را روز اول حیض قرار دهد و به تعداد ایام خود بشمارد و ما بقی را استحاضه حساب کند.

دوم: اگر وقت عادت ماهانه خود را بیاد داشته باشد ولی تعداد ایام را فراموش کند، اگر اولین روز خون دیدن خود را بیاد بیاورد باید خود را با زنان نزدیک خود (فامیل) مقایسه کند و عادت خود را کامل کند و اگر شبیه آنها نبود هفت روز حیض بگیرد. اگر آخرین روز حیض را بیاد بیاورد آن را آخرین روز عادت خود قرار دهد و خود را با زنان نزدیک خود (فامیل) مقایسه کند و عادت خود را کامل کند، اگر شبیه آنها بود مانند آنها عمل کند و اگر نبود هفت روز را حیض حساب کند و بقیه ی

ایام را استحاضه بشمارد و به تکلیف خود عمل کند. این زن باید روزه ی خود را فقط در مورد روزهایی که حیض قرار داده قضا کند. سوم: اگر هردو را هم عدد و هم وقت عادت خود را فراموش کند این زن را با زنان نزدیک خود (فامیل) مقایسه کند و عادت خود را کامل کند ، اگر شبیه آنها بود مانند آنها عمل کند و اگر نبود هفت روز را حیض حساب کند مدام که این امر ادامه دارد.

در مورد احکام خون استحاضه می گوئیم که : خون استحاضه ممکن است پنبه را آغشته نکند واز آن نگذرد و یا از پنبه می گذرد و لی جریان پیدا

نمی کند و یا هم از پنبه می گذرد و هم جریان می یابد.

در نوع اول : بر زن تکلیف است که برای نماز پنبه را عوض کند و برای هر نماز تجدید وضو کند. می تواند با یک وضو دو نماز را با هم بخواند.

در نوع دوم : بر این زن لازم است هم پنبه داخل مجرا و هم پارچه بیرون را تغییر دهد و و برای نماز صبح غسل کند.

نوع سوم : دو غسل بر چنین زنی واجب است یک غسل برای نماز ظهر و عصر که باید هر دو نماز را با هم جمع کند و بدون فاصله بخواند و یک غسل برای نماز مغرب و عشا که باید آنها را با هم بخواند ، اگر چنین کند

در حکم پاک بودن است . اگر در غسل ها خطا کند نماز و روزه او باطل می شود.

#### بخش چهارم : نفاس

نفاس خون هنگام زایمان است و برای مقدار کم آن حدی نیست و ممکن است یک لحظه باشد . اگر زن زایمان کند و خون نبیند برای این زن نفاس نیست. و اگر قبل از زایمان خون ببیند پاک است و نهایت مدت خون نفاس ده روز است. اگر زن دو قلو یا بیشتر بار دار بود و با فاصله زایمان کرد با تولد اولین فرزند احکام نفاس بر او واجب می گردد ولی باید ده روز را از تولد آخرین نوزاد بشمارد.

اگر زن زایمان کند و خون نبیند و روز دهم خون ببیند این خون نفاس خواهد بود . اگر بعد از زایمان خون ببیند سپس پاک شود و بعد در روز دهم یا قبل از آن دوباره خون ببیند کل این مدت نفاس است.

اگر خون بعد از ده روز ادامه یابد اگر اوصاف استحاضه داشته باشد ، استحاضه است و گر نه خون حیض است . اگر عادت مشخص داشته باشد باید حیض بگیرد و اگر نه باید به زنان شبیه خون بنگرد یا یک هفته حیض بگیرد. اگر باز خون دیدن ادامه بیابد سه روز صبر کند سپس استحاضه بگیرد.

هرچه بر زنی که حیض می بیند حرام است بر زن دحال نفاس نیز حرام است ، همچنین مکروهات ، زنی که در حال نفاس است را نمی شود طلاق داد . احکام غسل آن نیز مانند حیض است.

#### فصل پنجم: احکام اموات

پنج حکم دارد:

نخست احتضار:

واجبات احتضار این است که فرد محتضر را رو به قبله قرار داد به گونه ای که صورت و ظاهر پاها رو به قبله باشد.

تلقین شهادتین و اقرار به پیامبر(ص) و امامان (ع) و مهدیین و کلمات فرج و انتقال او به محل نماز و گذاشتن چراغ و منبع نور اگر شب باشد و قرائت قرآن برای فرد محتضر مستحب است.

اگر محتضر بمیرد باید چشمانش و دهانش را را بست و دست هایش را دراز نمود و با پارچه ای او را پوشاند . در تجهیز مرده باید تعجیل نمود مگر این که امری مشتبه باشد . برای تاکید از مرگ باید علامات مرگ را واری نمود یا این که سه روز صبر کرد بعد او را دفن نمود.

مکروه است که مرده را در روی شکم خواباند . حضور جُنُب و زن در حال حیض نزد مرده مکروه است.

دوم: در احکام غسل:

غسل و تکفین و نماز میت و دفن از وجه کفایت واجب است . اولی ترین فرد به انجام واجبات میت نزدیک ترین فرد به او از جهت میراث است . اگر صاحبان میراث هم مرد و زن باشند مردان از زنان اولی ترند تا امور مرده را انجام دهند. شوهر نیز نسبت به همسر خود در همه ی امور از دیگران اولی تر است.

جایز است که کافر مسلمانی را غسل دهد اگر هیچ مرد مسلمانی یا هیچ زن محرم مسلمانی نزدش نباشد . همین گونه است که زن کافر زن مسلمانی را غسل دهد اگر زن مسلمانی و یا مرد محرم مسلمانی نزدش نباشد .

مرد می تواند زنان محرم خود را از پس لباس غسل دهد اگر زن مسلمان نباشد می تواند هنگام غسل صورت و ظاهر و باطن پاها را ببیند . زن مسلمان هم می تواند مانند مرد عمل کند و اگر مسلمان نباشد زن می تواند از ناف تا سینه و از زانو به پایین را هنگام غسل مرد ببیند.

مرد نا محرم نمی تواند زنی را غسل دهد مگر این که سن مرده زیر سه سال باشد و زن نامحرم هم نمی تواند مردی را غسل دهد مگر عمر مرده



زیر پنج سال باشد ، در این حالت می توان هنگام غسل تمام بدن مرده را دید.

هر کس که شهادتین را بر زبان جاری می کند حتی اگر ملتزم به حق نباشد نیز باید غسل داده شود، جز خوارج . غلات [کسانی که در مورد اهل بیت افراط می کنند] و نواصب [کسانی که با اهل بیت علنی دشمنی می نمایند] این سه گروه را نباید غسل داد.

شهیدی که در میدان جنگ و در حضور امام کشته شود غسل داده نمی شود و کفن نمی شود اما باید بر او نماز خواند . همچنین کسی که باید کشته شود و محکوم به مرگ است باید قبل از مرگ غسل کند و بعد از مرگ غسل داده نمی شود.

اگر از جسد مرده مقداره باقی مانده باشد که سینه جز آن است یا فقط سینه باقی مانده باشد باید غسل داده شود و کفن گردد و بر آن نماز گذارده شود و دفن گردد. اگر این گونه نبود و سینه یافت نشد اجزاء یافت شده را باید در پارچه ای پیچید و دفن کرد. جنین سقط شده نیز اگر روح داشت یا از چهار ماه بیشتر داشت باید غسل و کفن و نماز بر آن خواند در غیر این صورت یعنی اگر روح نداشت یا کم تر از چهار ماه بود اما در بدنش استخوان بود باید در پارچه ای پیچیده شود و دفن گردد .

اگر نزد مرده مرد مسلمان یا کافر یا زن نامحرمی نبود زن کافر نباید او را غسل دهد و زن مسلمان نامحرم فقط می تواند بر او آب بریزد و ویر قسمت ناف تا زانو ها از پس لباس آب بریزد سپس او را با کافور حنوط کند و دفن نماید.

اما زن مسلمان اگر مسلمان نامحرم خواست او را غسل دهد فقط باید آب را بر صورت و دستها و پاهایش [آنچه در وضو شسته می شود] بریزد و او را با کافور حنوط کند و دفن نماید.

### واجبات غسل میت:

نخست از بین برن هر گونه نجاست از بدن میت بعد شستن میت با آب مخلوط با سدر است و باید همانند غسل جنابت از سر میت آغاز نمود و بعد سمت راست بدن و بعد سمت چپ بدن را شست . کمترین مقدار سدر در آب آن است که به آن مخلوط آب و سدر بتوان گفت . بعد باید با آب و کافور مرده را به همان ترتیب غسل داد. بار سوم باید با آب خالص مرده را غسل نمود . وضو دادن مرده مستحب است . جایز نیست هیچ کدام از مراحل غسل را کم نمود مگر ضرورتی باشد . در صورتی که سدر و کافور موجود نباشد مرده را یک بار با آب خالص باید غسل داد . ولی سه بار شستن میت بهتر است.

اگر به دلیل سوختگی و یا بیماری احتمال داده شود که پوست مرده متلاشی شود نباید مرده را غسل داد بلکه مانند زنده‌ی عاجز از وضو و غسل باید او را تیمم داد.

### مستحبات غسل میت:

مستحب است که مرده را بر تخت و جای مرتفع و رو به قبله غسل داد. نیز مستحب است که در سایه مرده را غسل داد. پس آب غسل میت را نیز مستحب است در گودالی جمع نمود. فرستادن پس آب غسل به فاضلاب اشکالی ندارد. باز کردن لباس و خارج کردن آن از قسمت پایین بدن و ستر عورت میت و نرم نمودن انگشتان نیز مستحب است. مستحب است قبل از غسل سر میت را با کف سدر شست و عورت میت و آلت تناسلی او باید با سدر و شنان [نوعی گیاه] یا با صابون بدون عطر شسته شود. شستن دستان قبل از غسل نیز مستحب است. مستحب است غسل را از سمت راست سر آغاز نمود و هر عضو را سه بار شست. مستحب است سه بار دست بر شکم میت کشیده شود [تا

فضولات داخل شکمش خالی شود [ مگر این که مرده زن بار دار باشد ] در این صورت نباید دست بر شکمش کشید ] .

مستحب است که شونده میت نیز در سمت راست مرده قرار بگیرد و با هر بار غسل شوینده دست های خود را بشوید بعد بدن میت را بعد از اتمام غسل با پارچه ای خشک کند.

**مکروه** است هنگام غسل مرده را نشاند ، یا مرده میان پاهای شخص شوینده قرار بگیرد ، نیز چیدن ناخن مرده و موی سر او و در جهت خلاف بدن شستن میت مکروه است.

اگر غسل عادی ممکن نباشد در صورت اضطرار غسل دادن میت مانند اهل خلاف [ اهل سنت ] مجاز است.

### کفن کردن :

واجب در کفن سه تکه پارچه است یک قطعه برای دور عورت از ناف تا زانو و یک قطعه برای پوشاندن تن و یک قطعه برای کل بدن ، در صورت اضطرار یک قطعه کفایت می کند . کفن کردن میت با حریر صحیح نیست .

واجب است بر مساجد [ اعضای از بدن که هنگام سجود بر زمین قرار می گیرند ] مرده کافور مالیده شود. مگر این که مرده مُحرم [ در احرام

حج] باشد، در این صورت نباید کافور بر بدن او مالید. کمترین مقدار کافور یک درهم است و بهتر است حد اقل چهار درهم کافور بر بدن میت مالیده شود اما کامل ترین مقدار کافور سیزده و نیم درهم است. در هنگام ضرورت ممکن است مرده را بدون حنوط یا همان مالیدن کافور دفن کرد. حنوط کردن جز با کافور یا ذریره [نوعی عطر] صحیح نیست. مستحبات کفن کردن:

مستحب است شوینده ی میت قبل از تکفین او غسل کند و وضو بگیرد . به کفن مرد می توان حبره [یک پارچه بلند که زربافت نباشد و بعد از تکفین مرده را باید با آن کاملا پوشاند] اضافه نمود هم چنین پارچه ای برای بستن ران ها که باید طول آن حد اقل سه ذراع [ به طول آرنج دست] باشد در عرض یک و جب . نخست باید میان ران ها و آلت مرد مقداری پنبه گذاشت بعد از بالای مثانه به سمت پایین را با آن پارچه محکم بست . اگر احتمال خروج چیزی از مقعد مرده را می دهد باید با مقداری پنبه مقعد را پر کرد. می توان پارچه ای را به عنوان سر بند و عمامه به کفن مرد افزود به گونه ای که پارچه را دور سر بست بعد از زیر چانه گذراند و صورت را با آن پیچاند تا دوطرف پارچه را روی سینه قرار داد . به کفن زن نیز می توان پارچه ای برای بستن سینه و پستان هایش اضافه کرد . به جای عمامه می توان برای زن رو بند اضافه کرد .

کفن باید از پنبه باشد و روی آن و بالاپوش میت یا همان حبره ذریره ریخت.

می توان روی بالاپوش و پیراهن کفن و دو ساقه نخل همراه میت نام او شهادتین را نوشت . بهتر است روی بالاپوش کفن با خا کربلا و در صورت موجود نبودن با رنگ شهادتین و اعلام حقانیت اهل بیت و مهدیین علیهم السلام و تعداد آنها و نام امام زمان خود که با اوست که جزء مسلمانان محسوب می شود را بنویسد .

برای بستن کفن باید از خود کفن ریسمان و بند درست کرد . نباید بندهای کفن با آب دهان [هنگام بستن] آغشته شود. همراه میت می توان دو شاخه نخل و اگر نبود دو شاخه از درخت سدر و اگر نبود دو شاخه سبز و مرطوب گذارد بدین صورت که در سمت راست مرده شاخه را به شانه بچسپاند طوری که با پوست بدن میت تماس داشته باشد و دیگری در سمت چپ بین پیراهن کفن و ازار [قطعه بالای کفن] قرار گیرد.

مستحب است کافور را با دست خورد کنند و باقی ماندهی کافور بعد از حنوط را بر سینه ی میت بریزد . مستحب است بالا ترین قسمت کفن را نخست از چپ به راست و بعد از راست به چپ بست .

مکروه است : که کفن از کتان باشد ، یا برای کفن آستین گذارد و یا با رنگ مشکی چیزی روی کفن نوشت و یا این که روی گوش و چشم مرده کافور مالید

مسائل سه گانه:

اول: اگر از مرده بعد از غسل ، نجاست خارج شد اگر با بدن و یا کفن تماس یافت باید با آب شسته شود و اگر هنگام گذاشتن میت در قبر از او نجاست خارج شد و کفن را آلوده کرد فقط همان قسمت نجس را باید برید [و نیاز با شستن ندارد]

دوم: کفن زن با شوهر است حتی اگر مال فراوان داشته باشد . آنچه بر مرد لازم است واجبات کفن است . برای مرد نیز باید از اصل مال او قبل از دادن بدهی وانجام وصیت [و تقسیم ارث] او برداشت .

اگر مرده مالی نداشته باشد که با آن کفن تهیه نمود نمی توان او را لخت دفن کرد و بر مسلمان واجب میگردد تا برای او کفن تهیه کنند مستحب است که سدر و کافور را نیز آنان تهیه کنند.

سوم : اگر مو یا چیزی از بدن میت بیفتد واجب است که همراه میت در کفن گذارده شود.

احکام تدفین:

این کار مقدماتی دارد که مستحب هستند:

این که تشیع کنند پشت جنازه حرکت کند یا در کنار آن  
این که میت را جمع نموده و چهار سو کنند به گونه ای که نخست سمت  
راست را جمع نماید بعد از آن از پشت جنازه بگذرد و سمت چپ را نیز  
جمع کند

مستحب است مومنین از مرگ مومن با خبر شوند .

اگر فردی جنازه را ببیند باید بگوید : الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد  
المخترم [سپاس خداوند را که مرا جزء سیاهی نابود شده قرار نداد ]

مستحب است مرد را هنگام رسیدن به قبر از سمت پا بر زمین بگذارند و  
زن را از سمت قبله و جنازه را در سه مرحله وارد قبر کنند . مرد را باید از  
سمت سر وارد قبر نمود و زن را از عرض بدن

کسی که جنازه را در قبر قرار میدهد باید پابرهنه باشد و سرش پوشیده  
نباشد و دکمه های لباس خود را باز و نیز مستحب است دعا کند.

مکروه است این کار را نزدیکان مرده انجام دهند مگر این که مرده زن  
باشد که باید همسر یا یکی از محارم او جنازه اش را وارد قبر کند .

واجبات تدفین : مرده را در زمین خاک کنند و اگر در دریا بود باید مرده را  
در ظرفی مناسب مانند چلیک و شبیه آن گذاشت و آن را سنگین کرد و به  
دریا انداخت اگر رسیدن به خشکی مشکل باشد .



واجب است مرده رو به قبله دفن شود و اگر زنی غیر مسلمان از مسلمانی  
باردار باشد و بمیرد باید پشت به قبله در قبر گذارده شود [تا جنین رو  
به قبله قرار گیرد]

مستحبات تدفین:

مستحب است که عمق قبر به اندازه قامت مرد باشد یا حد اقل تا شانه  
باشد و لحد به سوی قبله قرار گیرد . مستحب است بند کفن را از  
قسمت سر و پا باز کرد . مستحب است مقداری مهر نماز از خاک کربلا  
همراه میت قرار داد . تلقین کردن و دعا برای میت مستحب است.  
مستحب است روی لحد میت را با خشت [یا بلوک و شبه آن] بست و  
گل گرفت . تدفین کننده باید از سمت پا های مرده از قبر خارج شود.  
مستحب است حاضرین با دست خاک را در قبر بریزند و هنگام این کار  
إنا لله وإنا إليه راجعون بگویند .

مستحب است ارتفاع قبر چهار انگشت از سطح زمین باشد و خاک اطراف  
قبر جمع گردد . مستحب است از سمت سر بر قبر آب ریخت و دور آن را  
مرطوب کرد اگر چیزی از آب باقی ماند مستحب است بر وسط قبر آب  
ریخته شود.

مستحب است دست بر قبر نهاد و بر مرده ترحم نمود . مستحب است ولی و قیم میت بعد از رفتن مردم از کنار قبر او را با صدای بلند دوباره تلقین کند .

تسلیت گفتن به صاحب عزا قبل از تدفین و بعد از آن مستحب است و کمترین مقدار آن این است که صاحب عزا شخص را ببیند .  
مکروه است که قبر را با ساج [چادر سبز و یا سیاه معمولاً ابریشمی] فرش کرد مگر در حال ضرورت .

مکروه است که نزدیکان میت هنگام دفن خاک را بر جنازه بریزند .  
تجدید بنای قبر و گچ کاری و دفن دو مرده در یک قبر مکروه است .  
منتقل کردن مرده از جایی به جایی دیگر مکروه است مگر به یکی از مشاهد ائمه (ع) .

تکیه دادن و راه رفتن روی قبر هم مکروه است .

مسائل چهار گانه:

اول : نیش قبر و منتقل کردن مرده جائز نیست . پاره کردن لباس مگر بر پدر و برادر مجاز نیست .

دوم: شهید با لباس هایش دفن می شود ولی لوازم زره و مشابه آن را باید از او جدا نمود . فرقی نمی کند که شهید با اسلحه کشته شده باشد یا چیزی دیگر.

سوم: حکم کودک و دیوانه اگر شهید شوند حکم بالغ عاقل است.  
چهارم: اگر جنین در شکم مادر بمیرد باید او را تکه تکه نمود و جسمش را خارج نمود . اگر زن باردار بمیرد باید سمت چپ شکم زن را شکافت و بعد از خارج کردن نوزاد محل شکاف را دوخت.

### غسل های مستحب:

غسلهای مستحب سی غسل هستند :

هفده غسل زمان معین دارند : غسل روز جمعه ، که وقت آن از طلوع فجر تا زوال آفتاب است. و هرچه به زوال نزدیک تر باشد بهتر است. می توان در غسل تعجیل کرد و به دلیل ترس از نداشتن آب در روز پنج شنبه غسل نمود و یا قضای آن را در شنبه به جا آورد.

شش غسل در ماه رمضان : شب اول و شب نیمه ی ماه و شب هفدهم و شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ، شب عید فطر و روز عید فطر

غسل روز عرفه و روز عید قربان روز غدیر و روز مباهله و روز ترویبه و شب نیمه ماه رجب و شب بیست و هفتم آن، غسل شب نیمه شعبان نیز مستحب هستند.

هشت غسل که به خاطر عملی مستحب می گردند:

غسل احرام و غسل زیارت پیامبر ﷺ و ائمه ع، غسل کسی که بخواهد نماز آیات را قضا کند در صورتی که عامل وجوب را دیده باشد و به موقع نماز را اقامه ننموده است، غسل توبه چه از گناه باشد چه از کفر، غسل نماز حاجت و نماز استخاره و نماز طلب باران

پنج غسل هم به دلیل مکان مستحب است:

غسل دخول حرم و مسجد الحرام و کعبه و مدینه و مسجد النبی ص

مسائل چهار گانه:

اول: غسلی که به دلیل عمل و مکان مستحب می شود باید قبل از عمل انجام شود. غسلی که به دلیل زمان مستحب می گردد باید بعد از وارد شدن در وقت آن انجام شود.

دوم: اگر چند غسل مستحب با هم هم زمان شوند همه را با نیت قرب یته خداوند و با یک بار غسل باید به جا آورد

سوم: کسی که از روی عمد برود تا به دارآویخته شدن کسی را ببیند مستحب است بعد از سه روز غسل کند

چهارم: غسل دادن نوزاد نیز مستحب است.

رکن چهارم: طهارت با خاک (تیمم)

این مبحث چهار قسمت دارد:

اول: آنچه تیمم را واجب می کند:

اول: در دست رس نبودن آب. در این صورت اگر زمین هموار باشد باید تا یک کیلو متر در هر چهار جهت به دنبال آب برود. اگر زمین ناهوار باشد پانصد متر در هر جهت باید برود. اگر جستجوی آب وقت را برای نماز تنگ کند باید خطا کرده است ولی با تیمم نماز او صحیح است. فرقی نمی کند که شخص اصلاً آب نداشته باشد یا مقدار آب برای یک طهارت کافی نیست.

دوم: عدم توان به دست آوردن آب از جهت خریدن، همانند نداشتن آب است. اگر خریدن آب در حال به او ضرر بزند نباید آب بخرد اما اگر تهیه آب در حال به او ضرر نزند باید آب را تهیه کند حتی اگر قیمت آن چندین برابر قیمت واقعی آن باشد. همچنین این حکم در مورد وسایل استخراج آب نیز صحیح است.

سوم: ترس: فرقی بین جواز تیمم به دلیل ترس میان ترس از دزد و یا حیوان درنده و نابودی مال نیست. همچنین ترس از بیماری شدید و پاره شدن و ترک خوردن پوست و التهاب آن به سبب سرمای شدید آب

تیمم را مجاز می کند. همچنین اگر مقدار آبی که همراه دارد به مقداری باشد که اگر وضو بگیرد یترسد که از تشنگی به او آسیبی برسد باید تیمم کند.

قسمت دوم: آنچه تیمم بر آن صحیح است:

هر آنچه که نام زمین به آن اطلاق می شود برای تیمم کفایت می کند. تیمم بر فلزات و خاکسترو گیاهان پودر شده و آرد و خاک غصبی و نجس مجاز نیست.

می توان بر زمین آهک و گچ و خاک قبر و خاک مخصوص تیمم کرد، تیمم بر خاک مخلوط با فلزات به شرطی که خاک بیشتر باشد مانعی ندارد. در صورتی که خاک وجود داشته باشد نمی توان با لجن و شبه آن تیمم کرد.

تیمم بر شوره زار و شن زار مکروه است. مستحب است که بر ارتفاع و تپه تیمم نمود و در صورت نبود خاک فروان می توان بر گرد لباس و یا خاک زیر زین اسب و یا غبار یال اسب تیمم نمود در صورت نبود این ها می توان بر لجن تیمم کرد.

سوم: چگونگی تیمم:

تیمم قبل از داخل شدن وقت صحیح نیست، و با تنگ شدن وقت صحیح و مجاز می شود. صحت تیممدر هنگام وسعت وقت صحیح نمی

باشد مگر از حصول آب نا امید باشد یا طهارت با آب برای فرد بیمار ضرر داشته باشد .

واجب در تیمم : نخست نیت است و دوام آن تا پایان انجام عمل ، دوم ترتیب است ، یعنی باید دست ها را بر زمین بگذارد و بعد از محل رویش مو تا انتهای بینی دست ها را بر صورت بکشد ، بعد دو باره دست ها را بر زمین بگذارد و ظاهر کف دست ها را با خاک مسح کند.

حتما دو ضربه بر زمین زد یکی برای مسح صورت و یکی برای مسح دست ها هم در تیمم به جای وضو و هم در تیمم به جای غسل .  
اگر کف دست ها قطع شده باشد مسح کف دست ها ساقط می شود و باید فقط صورت را مسح کند ولی اگر مقداری از کف دست قطع شده باشد باید باقی مانده ی کف دست را مسح نماید.

واجب است که توجه کند که اعضای که باید در تیمم مسح گردند کاملاً با خاک مسح گردند در غیر این صورت تیمم باطل است.

مستحب است که دست ها را بعد از ضربه زدن بر زمین تکان داده شود .  
اگر تیمم کند و بر بدنش نجاست باشد تیمم صحیح است . همین گونه است اگر با آب طهارت کند و بر بدن نجاستی باشد وضو صحیح است .  
اما تنگی وقت حتما باید در تیمم رعایت شود .

چهارم : احکام تیمم :

تیمم ده حکم دارد :

اول: کسی که با تیمم نماز می خواند نباید نمازش را تکرار کند چه در سفر باشد و چه در حضر (محل زندگی خود)  
دوم : جستجوی آب واجب است، اگر در جستجوی آب کوتاهی کند و با تیمم نماز بخواند بعد نزد همراهان خود آب بیابد باید وضو بگیرد و نماز بخواند.

سوم: در صورت نبود آب و یا عدم وجود آن چه بر آن تیمم نمود به دلیل زندانی بودن در مکانی نجس اداء و قضای نماز واجب ساقط می شود و به جای آن باید در زمانی که نماز واجب می شود دعا نمود .

چهارم :اگر فرد قبل از ورود به نماز آب بیابد باید وضو بگیرد و نماز بخواند. اما اگر بعد از اتمام نماز آب بیابد لازم نیست نماز را از نو بخواند اگر به نماز ایستاد و آب یافت ، اگر توانست بدون قطع نماز وضو بگیرد باید طهارت کند و نماز را کامل کند اما اگر نتواند باید نماز را کامل کند حتی اگر فقط تکبیره الاحرام را گفته باشد.

پنجم: هر آن چه با وضو مباح می شود ، با تیمم نیز مباح می گردد.  
ششم: اگر مرده ای و کسی که ناپاک باشد و مجنب با هم جمع گردند و آب موجود فقط یکی از آنها را کفایت می کند ، اگر آب ملک یکی از آنها



باشد به او اختصاص می یابد . اما اگر آب ملک همه ی آنها باشد و یا ملک کسی نباشد و یا این که مالک آن آن را بخشیده باشد ، باید آب را به مرده و غسل آن اختصاص داد.

هفتم : شخص جنب اگر به جای غسل جنابت تیمم کند بعد حدثی باطل کننده ی از او واقع گردد باید دوباره به جای وضو تیمم کند اگر نتواند وضو بگیرد.

هشتم : اگر فرد بتواند از آب استفاده کند تیمم نقض می گردد ولی اگر دوباره آب را از دست دهد باید مجدد تیمم کند . تیمم با تمام شدن وقت عبادت تا زمانی که از فرد حدثی سرزنند صحیح خواهد بود یا تا زمانی که آب بیابد.

نهم: اگر کسی بعضی از اعضایش بیمار باشد و نتواند آن ها را با آب بشورد می تواند تیمم کند ولی نباید گاهی اوقات وضو بگیرد و گاهی که تیمم کند.

دهم: می توان برای نماز جنازه با وجود آب ، به نیت استحباب تیمم نمود ولی اقامه دیگر نماز ها ممکن نیست.

### نجاسات و احکام آنها:

انواع نجاست: نجاست ده نوع است :

اول و دوم : ادرار و مدفوع : ادرار و مدفوع هر حرام گوشتی نجس است اگر خون جهنده داشته باشد فرقی ندارد که نوع آن حرام گوشت باشد مانند شیر و پلنگ و یا صفت حرام گوشت بودن به سبب باشد مانند حیوان نجاست خوار . فضله و ادرار آن چه خون جهنده ندارد نجس نیست.

سوم : منی : منی همهی حیوانات نجس است چه حرام گوشت و چه حلال گوشت . منی حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است.

چهارم : مردار: مردار هر موجودی که خون جهنده دارد نجس است. اگر عضوی از حیوان دارای خون جهنده قطع شود ، چه حیوان زنده باشد و چه مرده آن عضو نجس خواهد بود. آنچه دارای روح نیست مانند استخوان و مو ، پاک است مگر خود حیوان ذاتاً نجس باشد مانند سگ و گراز و کافر . غسل از لمس کردن مرده قبل از تطهیر و بعد از سرد شدن بدن در اثر مرگ ، واجب است . همین گونه است اگر به عضوی دارای استخوان دست بزند یا با رطوبت مردار حیوان دارای خون جهنده غیر انسان را لمس کند باید غسل نماید..

پنجم: خون ها : خون حیوانات دارای رگ نجس است اما خون حیوان بدون جهش مانند ماهی و شبیه آن نجس نیست.

ششم و هفتم : سگ و گراز (خوک): هم جسم وهم آب دهان سگ و گراز نجس است . اگر سگ با حیوان دیگری آمیزش کند باید در تعیین جنس آن چه از این آمیزش متولد می شود دقت نمود . جز این دو حیوان بقیه ذاتاً پاکند . یعنی روبا و خرگوش و موش و وزغ همه نجس نیستند. اما آب قلیلی که موش و گرز و وزغ و عقرب و مار در آن مرده باشد نباید مصرف شود.

هشتم : مست کننده ها: همه ی مایعات مست کننده نجس هستند حتی آب انگوری اگر بجوشد و قوام بیاید حتی اگر مست کننده نباشد ، ولی اگر در اثر جوشیدن ، یک سوم آن کم گردد، پاک می شود.  
نهم : آب جو (فقاع)

دهم : کافر: کافر کسی است که از اسلام خارج شده باشد یا در ظاهر مسلمان باشد ولی ضروریات دین را انکار کند مانند خوارج و غلاة (کسانی که در مورد افراد مقام خدایی قائل می شوند) و یهود و نصاری (مسیحیان) اگر از خوارج و دشمنان اهل بیت نباشند ، پاک هستند. غیر از این ها

همه نجس هستند . حتی چیزی که با آن در تماس هستند نیز نجس می گردد.

مکروهات: ادرار قاطر ، الاغ و جانداران اهلی و عرق جنب از حرام و عرق شتر نجاست خوار و فضله ی مرغ مکروه هستند.  
احکام نجاسات:

برطرف کردن نجاست از بدن ولباس برای نماز و طواف و وارد شدن به مساجد و از ظرف برای استعمال آن ها. بر طرف کردن آنچه را که دوری جستن از آن نا ممکن است مانند خون زخمی که ترشح نمی شود حتی اگر زیاد باشد لازم نیست. اگر قطر لکه خون کمتر از یک سانتیمتر باشد زایل نمودن آن لازم نیست مگر این که از خون های سه گانه باشد. آنچه بیشتر باشد برطرف کردن آن واجب است چه در یک جا جمع باشد و چه متفرق باشد . ویجوز الصلاة فیما لا یتیم الصلاة فیه منفرداً وإن کان فیه نجاسة لم یعف عنها فی غیره.

در هنگام شستن محل نجاست باید به لباس فشار وارد نمود تا نجاست از آن جدا گردد مگر ادرار نوزاد اگر محل نجاست از ادرار نوزاد معلوم باشد

فقط ریختن آب روی آن کفایت می کند اما اگر محل نجاست معلوم نباشد لباس و بدن باید دو بار با آب شست.

اگر انسان با بدن مرطوب با سگ و گراز و کافر تماس حاصل کرد غسل محل تماس واجب است و اگر خشک بود پاشیدن آب بر محل تماس و غسل بدن مستحب است.

اگر نماز گذار در از بین بردن نجاست از لباس و بدن خود کوتاهی کند چه در همان وقت و چه در خارج آن باید نماز را تکرار کند. اما اگر بعد از فریاد از نماز بفهمد مطلقاً واجب نیست نماز را تکرار کند.

اگر در حین نماز فهمید که لباس نجس است اگر خارج کردن آن لباس موجب باطل شدن نمی شود و عورت نیز مستور می ماند باید لباس را در آورد، در غیر این صورت نماز را باید کامل کرد.

زنی که از نوزاد مراقب می کند اگر فقط یک لباس داشته باشد باید هر روز یک بار آن لباس را آب بکشد و اگر این کار را قبل از نماز ظهر انجام دهد بهتر است تا بتواند نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با لباس پاک بخواند. اما اگر دو لباس دارد و نداند کدام نجس است. هر نماز را با هر کدام از آن ها جدا جدا بخواند. اگر لباس های فراوانی داشته باشد و فقط یکی پاک باشد و نداند کدام یک پاک است نیز باید با هر کدام جدا نماز بخواند مگر هنگام تنگی وقت در این حال باید لخت و بدون لباس نماز بخواند.

واجب است لباس نجس را دور نمود و عریان نماز خواند اگر کسی غیر از او نباشد. اگر نتواند با همان لباس نجس نماز بخواند و لازم نیست نماز را تکرار کند.

تابیدن خورشید باعث طهارت ادرار و دیگر نجاست ها از روی زمین و حصیر و آنچه که انتقال آن ممکن نیست مانند درخت و ساختمان به شرط از بین رفتن نجاست ، می شود. گرچه بهتر است بر موضع ادرار و نجاست آب ریخته شود بعد خورشید بر آن بتابد.

آتش هم فقط چیزی را که استحاله می دهد پاک می کند. خاک کف پا و زیره ی کفش و دمپایی را پاک می کند. زمین قسمت های دیگر زمین را پاک می کند . آب باران در حال نزول و نیز در حال جریان از نودان و شبیه آن نجس نمی شود مگر در اثر نجاست تغییر کند.

آبی که با آن عین نجاست شسته می شود نجس است چه بار اول شستن باشد چه بار دوم . اما باقی مانده آب کشی شی نجس که در آن عین نجاست نیست پاک است حکم ظرفها نیز این گونه است.

احکام ظرف ها :

خوردن و آشامیدن با ظروف طلا و نقره جایز نیست. همین گونه دیگر استفاده از آنها نیز جایز نیست.

استفاده از ظرف نقره کوب در خوردن و آشامیدن مکروه است. اما دیگر استعمالها مجاز است. استفاده از ظرف های ساخته شده از دیگر فلزات و یا معادن و جواهرات اشکالی ندارد هرچقدر که گران قیمت باشند. ظروف مورد استفاده مشرکین پاک است تا زمانی که علم به نجاست آنها حاصل شود.

استفاده از پوست هر حیوان صحیح نیست مگر این که در حیات و هنگام ذبح پاک و طاهر بوده باشد. دوری کردن از استعمال پوست حیوانی که گوشتش خورده نمی شود مستحب است مگر این که بعد از ذبح دباغی شود.

به کار بردن ظرف های خمر و مسکر اگر قیر اندود یا روغن اندود باشند ، بعد از شستن اشکال ندارد اما استعمال ظروف خمر و مسکر چوبی و سرامیکی و شیشه ای غیر روغن اندود مکروه است.

ظرفی که آب دهان سگ در آب باشد باید سه بار شسته شود و اولین دفعه باید با خاک پاک گردد. از خمر و مسکرات و ازمرده ی موشو گرزه ظرف باید سه بار شسته شود ولی هفت بار بهتر است. از دیگر نجاسات غیر از آب کشی برداشتن عین نجاست ، یک بار شستن کفایت می کند اما سه بار بهتر است.